

عدم تناهی فضا و خلقت و معنی سماء و افلاک سبعة

حضرت بهاء الله، حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



لوح رقم (40) - آثار حضرت بهاء الله - امر و خلق، جلد 1

۴ - عدم تناهی فضا و خلقت و معنی سماء و افلاک سبعة

و از حضرت بهاء الله است. قوله الاعلی: "این که از ارض سؤال نموده بودی و ما نطق به الحکماء فیالحقیقه این امور تا حال بتمامه کشف نشده هذا هوالحقّ و ما بعده الا الضلال ولکن حکای این عصر نظر باینکه از تجلیات انوار ظهور قسمتی بردهاند اعرف از قبلاند تا حال عدد سیارات را بتمامه نیافتند عنقریب کشف میشود و بر عدد سابق میافزاید. این علم بحری است بی پایان از برای هر یک از ثوابت سیاراتی است و هر یک از سیارات عالمی است از عوالم پروردگار من یقدر ان یحصی جنود ربک فیها او صنایع عباده فیها."

و در لوحی از آن حضرت است. قوله الاعلی: "و اینکه از افلاک سؤال نمودهاید اولاً باید معلوم نمود که منظور از ذکر افلاک و سماء که در کتب قبل و بعد مذکور چيست و همچنین ربط و اثر آن بعالم ظاهر بجه نحو. جمیع عقول و افئده در این مقام متحیر و مبہوت و ما اطلع بها الا الله وحده حکماء که عمر دنیا را بچندین هزار سال تعبیر نمودهاند در این مدّت سیارات را احصاء نمودهاند چه مقدار اختلاف در اقوال قبل و بعد ظاهر و مشہود و لکلّ ثوابت سیارات و لکلّ سیارة خلق عجز عن احصائه المحصون."



ORIGINAL

و از حضرت عبدالبهاء است. قوله العزيز: "این آفتاب فلک اثر را اشراق بر آفاق است و جمیع کائنات ارضیه بفیض تابشش در نشو و نما است اگر حرارت و اشراق آفتاب نبود طبقات کره ارض تشکیل نمیشد و معادن کریمه تکون نمی یافت و این خاک سیاه قوه انبات نمیجست و عالم نبات پرورش نمی یافت و عالم حیوان نشود و نما نمی کرد و عالم انسان در کره ارض تحقق نمی یافت. جمیع این بخشایش از فیض آفتاب است."

وقوله الکریم: "و ان الاکتشافات التي سبقت للتقدمين من الفلاسفة و ارائهم لم تک مؤسسة علی اصل یقین و اساس رصین لانهم ارادوا ان یحصروا عوالم الله فی اضیق دائرة و اصغر ساهرة و تحيروا فی ما ورائها الی ان قالوا لاخلاء و لا ملاً بل عدم صرف و هذا الرأی مناف و مباین لجمیع المسائل الالهية و الاسرار الربانية بل عند تطبیق عوالم المعانی بالصور و الروحانيات بالجسمانيات تجد هذا الرأی اضعف من بیت العنكبوت لان العوالم الروحانية النورانية منزّهة عن حدود الحصرية و العددية و كذلك العوالم الجسمانية فی هذا الفضاء الاعظم الاوسع الرحیب ... و اما ما ذکر من الطبقات السبع و السموات السبع المذكورة فی الاثار التي سبقت من مشارق الانوار و مهابط الاسرار لم یکن الا بحسب اصطلاح القوم فی تلك الاعصار کلّ کور له خصائص بحسب القا بلیات و استعداد ظهور الحقائق من خلف الاستار اذ کلّ شیئی عند ربک بمقدار و ما قصدوا بذکر الافلاک الا المدارات للسیارات الشمسية التي فی هذا العالم الجامع لنظام الشمس و توابعها لان سیارات هذه لشمس اولو الاقدار السبعة من حیث الجرم و الجسامة و الروية و النور و مدار القدر الاول منها فلک من افلاک هذ العالم الشمسی و سماء من سموات هذه الدائرة المحیطة المحدوده للجهات الواقعة ضمن محیطها و كذلك کلّ الدراری الدرهره الساطعه فی وجه السماء التي کلّ واحد منها شمس و لها عالم مخصوص بتوابعها و سیاراتها اذا نظرت الیها تجدها بالنظر الی ظهورها الی الابصار من دون واسطه مرایا الجسمه یظهر انها علی اقدار سبعة و مدار کلّ قدر منها او دائرته سماء مرفوع و فلک محیط فی الوجود ..."